

داشتیم که می گفت دلم می خواهد همه بچه ها لذت درس خواندن را تجربه کنند. سوچان می خواهد کاری بزرگ تر از زمان و حتی سن و سال خودش انجام بدهد؛ یعنی نمی گوید نمی خواهم ازدواج کنم، می گوید شما کار غلطی کردید و در عین حیایی که دارد، با خانواده اش راحت است و حرفش را می زند.

**❏ ولی تاوانش را هم می دهد؟**

**اکرمی:** بله، فعلا باید صبر کنید!

**❏ خانم نیکرو قدری به سابقه کاری شما برگردیم. شما کاراکتر زن های مختلفی را به نمایش گذاشتید؛ چه در رخنه، چه در تب و تاب. حالا هم مادر حوا که پیچیده است. خودتان آن را چطور دیدید و چقدر متفاوت تر از نقش های دیگر بود؟**

**نیکرو:** بله نقش های متفاوتی داشتم و همگی با هم فرق دارند. نقش هایی که در سریال های رخنه و سوچان بازی کردم، دو شخصیت کاملا متفاوت بودند. روزی که برای نقش مادر حوا انتخاب شدم، در رشت بودم و گفتند گروه آقای تبریزی تست می گیرند. گفتم می روم تست بدهم. یک برگه دادند و گفتند این دیالوگ ها را حفظ کنید. وقتی وارد شدم، آقای تبریزی گفتند برای چه آمدی؟ نیاز نیست. کارت خوب است و حرفه ای هستی. گفتم من نه با بقیه فرقی ندارم. تست می دهم و یکی از دیالوگ های مادر جان را انجام دادم و آقای تبریزی همان جا گفتند مادر حوا ی قصه من هستی. آقای تبریزی انگار چیزی که در مادر حوا ی قصه شان داشتند را در من دیدند.

**❏ این را هم باید اضافه کرد که با وجود محوری بودن کاراکتر سوچان، نقش مادر حوا در قامت حلقه وصل حیاتی عمل می کند. یعنی اگر مادر حوا خوب در نمی آمد، سوچان هر قدر تلاش می کرد و تلاش را نشان می داد، شکل نمی گرفت.**

**نیکرو:** بله، این ها را به آقای تبریزی گفتم و پذیرفتند. گفتم وجود مادر است که باعث می شود دختر قوی و مستقل باشد. کلا زنان گیلان قوی هستند و یکی از خصوصیات بارز همه زنان گیلانی نسبت به مردان، این است که در برابر مشکلات و هر چیزی که فکر کنید، قوی تر و مقاوم تر هستند. مثل کوهی هستند که همه به آنها تکیه می کنند. سوچان در خانواده ای بزرگ شده که مادر و پدر، قوی بودند. به او استقلال و موقعیت دادند تا از پس مشکلاتش بر بیاید. طی صحبت هایی که با آقای تبریزی داشتیم، سکانس هایی اضافه شد تا حتی ارتباط مادر حوا با مادر جان هم تقویت شود.

**❏ برای من جای سؤال است که شخصیت خودتان به کدام نقشی که بازی کردید نزدیک تر است؟**

**نیکرو:** رگه هایی از من، در کاراکترهای سوده، مادر حوا، رگنا و بقیه وجود دارد. در واقع تکه هایی از خودم است. برایم عین زندگی است و در این چند کاراکتر، ترکیب شده. همین جا از بچه های خوب سوچان که سه سال عاشقانه پای کار ایستادند و همه سختی ها را به جان خریدند، تشکر می کنم. به آقای تبریزی خسته نباشید می گویم که یک تکه پای کار و همه سختی ها ایستاد.

**اکرمی:** من هم خیلی ویژه از آقای تبریزی تشکر می کنم. از میان ۳۰ نفر انتخاب شدم. برای نقش سوچان به همه جا یک فراخوان کلی داده بودند و وقتی معرفی شدم و رفتم چند مرحله تست داشتم و سه ماه درگیر رفت و آمد بودم برای این که ببینیم می شود یا نه. تا یک هفته مانده به کلید خوردن پروژه، هنوز نمی دانستم و قطعی نبود که هستم یا نه. به کاراکتر نزدیک شدم و آقای تبریزی تایید کردند.

که قوی بار آمده. **نیکرو:** این را هم باید گفت که در این سریال، تنها یک خانواده را نمی بینیم و چند خانواده هستند؛ مثل خانواده اسفندیار، خسرو، غلام، سهراب و نصیر که هر کدام شان چالش هایی دارند. **❏ پس معتقد هستید که تنوع خانواده های ایرانی را در سوچان می بینیم؟**

**نیکرو:** بله، فقط خانواده سوچان نیست. خانواده های مختلفی را می بینیم. مثل خانواده های الان و امروز که هر کدام با دیگری متفاوت هستند.

**اکرمی:** این را در سوچان نشان دادیم که وقتی یک ذهنیت اشتباه شکل بگیرد، نسل به نسل ادامه پیدا می کند. به همین خاطر در جاهایی می گویم این برای ۵۰ سال پیش است، ولی الان هم لمسش می کنیم. ذهنیت مادر جان از قبل بوده و به دختر و نوه اش یعنی سوچان رسیده.

**❏ البته باید گفت که زنان در خطه گیلان از دهه های قبل و در دل تاریخ نقش پررنگی داشته اند...**

**نیکرو:** بله، خیلی جلوتر از استان های دیگر بودند.

**❏ ارتباط مادر جان با سوچان هم جالب است؛ چون حتی گاهی با مدل چیدن کتاب های سوچان متوجه می شود که حالش خوب نیست و به او می گوید با کتاب هایش قهر نکند...**

**نیکرو:** مادر جان به شکلی خودش را در سوچان می بیند و به این دلیل است که این قدر به سوچان نزدیک است و حسش می کند. به همین دلیل اسمش را سوچان گذاشته اند. امیر هم بارها بانو را سوچان صدا می زند.

**❏ اما سؤال و گله بسیاری از مخاطبان این است که می گویند چرا سوچان صریح جواب قربان را نداد. مخاطب می گوید یک نه بگو و خیال خودت را راحت کن.**

**اکرمی:** سوچان مسئله اش با قربان نیست؛ مسئله اش بزرگ تر از قربان است. نمی گوید که نمی خواهم ازدواج کنم و این طور نیست که بگویم عشق دیگری دارد و به خاطر او «نه» می گوید. سوچان دختر ازدواجی نیست که تنها دغدغه اش این باشد که ازدواج کند و بچه دار شود. می گوید می خواهم درس بخوانم و حرکتی خلاف جهت کنم. سکانسی

دست خانم قاسمی باشد. فیلمنامه را خوانده و کاملاً آماده بود. **اکرمی:** برای من هم همین طور بود و چیزهای زیادی یاد گرفتم. رابطه سوچان و مادر جان خیلی مهم و بخشی اساسی از قصه بود. رابطه سوچان با خانواده اش هم همین طور.

**❏ به خانم قاسمی اشاره کردید. آن ادب اشاره شده در صحبت های غزاله اکرمی، در عین صمیمیت درست از آب درآمده، حتی وقتی قرار است باچین تن مادر جان کنند. به این هم اشاره کنید که چقدر خوب به فرهنگ اصیل آن خطه اشاره شده. اصلا اسم باچین خیلی اصیل است.**

**نیکرو:** در آن خطه دو جور دامن داریم؛ دامن های بلند داریم که به آن قاسم آبادی یا شلیته هم می گویند، ولی قاسم آبادی معروف است. دیگری هم باچین است که بر از چین است.

**❏ تفاوت سه نسل را هم به درستی نشان دادید. چیزی که شاید برای نسل جدید خیلی دغدغه نباشد.**

**اکرمی:** بیشتر می خواستیم این را نشان دهیم که از سه نسل هستند اما فکرشان خیلی به هم نزدیک است و این مسأله به دلیل ترتیب خانواده است.

**❏ نکته مهم سوچان دقیقاً همین مفهوم خانواده است. ادبی که خانواده نسبت به سفره و فرهنگ خود دارد تا همه را دور هم جمع کند، بسیار مهم است. نسل جدید تعریف دیگری از خانواده دارد.**

**اکرمی:** الان انگار افراد با خانواده های شان خیلی راحت نیستند و با هم سن و سال های خودشان رفیق اند. در خانواده حرف های شان را نمی زنند و در دوره می ها و جمع های خودشان بیشتر احساس راحتی دارند. ولی در خانواده سوچان، درک متقابل شکل می گرفت. مثلاً در جاهایی مادر جان بدون این که سوچان چیزی بگوید متوجه ناراحتی او می شود. درواقع سوچان باوجود همه چالش هایی که با آن روبه رو می شود، می تواند ادامه بدهد چون در خانواده ای شکل گرفته

**اکرمی:** این هم یکی از سختی های کار بود؛ یعنی باید کاری می کردیم که دیالوگ ها شعاری نشود. بازیگری در نقش یک دختر خوب، به خصوص در شرایط فعلی ساده نیست. این که دیالوگ این شکلی و ارتباطش با خدا و نماز خواندنش و این که بخواهد خیلی بزرگ تر از خودش صحبت کند، باید طوری می بود که شسته رفته باشد و مخاطب آن را پس نزند. در واقع باید دیالوگ را مال خود می کردم. آقای حسن پور اهل شمال است و به متنی که نوشتند اعتماد دارم و آقای تبریزی هم حواسش بود تا در بازنویسی به سمتی برویم که قابل لمس باشد. سمت و سویی که بتواند باورپذیرتر، قابل لمس و امروزی باشد. بعضی از دیالوگ هایی که سوچان می گوید بسیار مترقی است چون سوچان با بقیه آدم های روستا متفاوت است. یعنی دیالوگی نیست که برای ستاره یا انیس باشد. می شود از سوچان پذیرفت، چون بزرگ تر از سن خودش است و بزرگ تر فکر می کند.

**❏ انگار بذرهایی را می کارد که ممکن است در ۱۰ قسمت بعدتر، درو کنند... این طور نیست؟**

**اکرمی:** بله دقیقاً. کم کم شخصیتش را شکل می دهد.

**❏ خط گرفتن سوچان از مادر بزرگش که سعی می کند مثل او در دوران خودش هم قوی باشد و هم زیر بار حرف زور نرود، خیلی اهمیت دارد. درباره ارتباط سوچان با مادر جان و مادر حوا با مادر جان توضیح دهید و از این بگویند که چقدر سعی می کردید این رابطه واقعی در بیاید؟**

**نیکرو:** خیلی تلاش می کردیم و واقعی در بیاید. خانم قاسمی بسیار حرفه ای است و خیلی از ایشان یاد گرفتم. در سکانس هایی که با هم کار داشتیم این قدر حس شان قوی بود که ناخودآگاه حس را می گرفتم و تجربه بسیار بزرگی برایم بود. برایم افتخاری بود که بازیگری مثل خانم ثریا قاسمی را در این سن و سال می دیدم که همه چیز تمام است. بازیگران کمی در این سن و سال داریم که همه چیز تمام باشند و برای کار و بازی شان ارزش بگذارند. اصلاً سر صحنه نمی دیدم که فیلمنامه

**بوده. الان هم با این که ظاهراً نقشی ساده دارید اما عمیق بازی می کنید. این چالش های کار در این دو سریال چطور بود. چقدر می گردید و می خوانید تا به آن برسید؟**

**اکرمی:** یکی از جذابیت های کار کشف و شهود است تا ذهنت بازتر شود. یعنی با دنیای شخصیت های مختلف آشنا شوی و بتوانی جای آدم هایی زندگی کنی که هیچ ذهنیتی درباره شان نداری. من هیچ وقت نمی توانم یک دختر قاجاری باشم. ولی به عنوان بازیگر، زندگی کردن در این فضا خیلی جذاب است. کاراکتر ماهی، هم خیلی سخت بود و هم چالش های بسیاری داشت با این که نقش اصلی نبود. بعد به دلیل معلولیتش هیچ اکت خاصی نداشت و فقط تا حدودی حرکات دست و صورت را نشان می داد. پیش از ضبط سکانس های خیزدن روی زمین، این قدر تمرین کرده بودم که برای چند روز دستام درد می کرد. در عین حال، شخصیتی عجیب و غریب بود چون چیزهایی از آینده می دید یا به او القا می شد. در برخی سکانس ها باید این حال و احوالش را با لرزش جسم نشان می داد و کنترل کردنش برای این که اندازه باشد، دشوار بود. من فقط یک هفته به ضبط مانده بود که به کار رحیل اضافه شدم. یعنی فقط یک هفته زمان داشتم به کاراکتر ماهی نزدیک شوم. در عین حال، کار را که شروع کردم، سوچان بعد از یک وقفه هفت ماهه دوباره از سر گرفته شد.

زمانی که قرارداد بستم، هیچ خبری از سوچان نبود و با آقای تبریزی حرف زدم و گفتم می توانم سر کار بروم و ایشان گفتند بله می توانی. رفتم و یک ماه بعد تماس گرفتند و گفتند سوچان راه افتاده. وسط های نقش ماهی در سریال رحیل، باید سوچان را هم ادامه می دادیم.

**❏ به نوعی شاید کاراکتر سوچان با مشکلاتی که داشت، با برخی اتفاقات زندگی خود غزاله هم زمانی داشته؟**

**نیکرو:** بله، این کاراکتر با خود غزاله هم زمانی داشت.

**اکرمی:** در واقعیت هم عین قصه بود. جوری پیش رفت که بار روانی زیادی تحمل کردم و سر این کار، بزرگ شدم. همه می گفتند اگر سوچان در نیاید و خراب شود کل کار زیر سؤال می رود و همه اش حس می کردم باید بتوانم انجامش دهم. باید به جای صد، دویستم را بگذارم. این حس را داشتم که مسئولیت کل سریال با من است. از این زاویه نگاه می کردم که کار خیلی سختی در پیش دارم؛ یعنی علاوه بر نقش، کار طول کشید و قسمت های زیادی داشت و باید جوری پیش می بردم که مخاطب حدود دو ماه و نیم بتواند سریال را دنبال کند، با آن همراه باشد، برایش خسته کننده نباشد و همچنان جذابیت داشته باشد و بتواند مرا درک کند.

**❏ شما به چالش های ضبط کار در شهرستان اشاره کردید. در نگاه اول ساده است اما هر چقدر هم که لوکیشن زیبا باشد، بعد از مدتی تکراری و بازیگر خسته می شود.**

**نیکرو:** بله، کار این قدر زیاد است که وقتی تمام می شود باید به هتل برگردی و استراحت کنی. وقت گردش و تفریح نیست و این برای بازیگر سخت است. **اکرمی:** روزهایی این قدر در گل بودیم و پاهای مان تا زانو در گل بود که نمی توانستیم کفش مان را در بیاوریم و تا مدت ها بعدش پاهایم درد می کرد.

**نیکرو:** بخشی از سختی هم، مربوط به متوقف شدن موقت کار بود. در تابستان، سکانس های زمستان را می گرفتیم و لباس های کاموایی و گرم می پوشیدیم و جلوی آتش بودیم. همگی خیلی اذیت شدیم و تعطیل شدن ها خیلی اذیت کرد.

**اکرمی:** یکی از چالش های بازیگری این است که مثلاً سکانسی را در سال ۱۴۰۰ گرفتیم و سکانس بعدش را ۱۴۰۱ گرفتیم و سکانس بعدی اش را ۱۴۰۳ گرفتیم و رعایت کردن راکورد حسی این ها، خیلی سخت است. در واقع طولانی ترین فیلمبرداری بدون پخش تاریخ تلویزیون را داشتیم.

**❏ یکی از چالش های شما احتمالاً باورپذیر شدن دیالوگ هاست. حتی دیدم جایی نقد شده بود که دیالوگ ها انگار امروز است و به تاریخ شبیه نیست.**

**نیکرو:** به نظرم از این نظر باورپذیر بوده و کار درآمده. اصولاً خانواده هایی در آن زمان هم بوده اند که قدری متفاوت تر باشند. مثلاً خانواده سوچان نسبت به بقیه اهالی روستا روشن تر و داناترند و اصرار دارند که درس بخوانند و این خیلی عجیب نیست. در واقع در عصر خود امروزی بودند و چون خود مادر جان و مادر حوا ماما (قابله) بودند، به برخی مسائل آگاهی داشتند.

## دوبله

### «تپی از موفقیت تا سقوط» به شبکه چهار می رود



سریال «تپی از موفقیت تا سقوط» با گویندگی در گونه زندگی نامه، درام و تاریخی محصول فرانسه در سال ۲۰۲۳ قرار است از شبکه چهار پخش شود. مدیر هاشمی و صدابردار آن سهیل عابدی است. رضا آفتابی، زهره اسدی، آزاده اکبری، آن مهدی یابنده است. رضا آفتابی، ارغوان افراسیاب، مهرخ افضل، رضا الماسی، دانیال الیاسی، آرزو امیرپردی، محمد بهاریان، کریم بیانی، علی بیگ محمدی، محمد تنهایی، ارسلان جولایی، شراره حضرتی، امیر حکیمی، مونا خجسته، آرزو روشناس، حسین سرآبادانی، ابوالفضل شاه بهرامی، پریا شفیعیان، خشایار شمشرگران، محمد صادقیان، فاطمه صبا، سحر صحامیان، مهسا عرفانی، بهروز علی محمدی، پویا فهیمی، شروین قطعه ای، امیر بهرام کویانیور، امیر صالح کسروی، مریم معینیان، اکبر منانی، علی منانی، علی همت مومینود، بهمن هاشمی، صم نکو اقبال، نیما نکویی فرد، حسین نورعلی، نازنین باری و شیدا آژیر صدابیشه های این اثر بوده اند.

## ویژه

### روایتی مهیج در «عنکبوت»



فیلم سینمایی «عنکبوت» به تازگی دوبله شده و قرار است از شبکه نمایش روی آنتن برود. مدیر دوبله این سینمایی بهمن هاشمی و صدابردار آن سهیل عابدی است. رضا آفتابی، زهره اسدی، آزاده اکبری، دانیال الیاسی، علیرضا باشکندی، مریم جلیبی، شراره حضرتی، زویا خلیل آذر، شیرین روستایی، مینا شجاع، خسرو شمشرگران، بهروز علی محمدی و بهمن هاشمی صدابیشه های این اثر بوده اند. این فیلم داستان دختری به نام شارلوت را روایت می کند که یک عنکبوت عجیب را در خانه اش نگه می دارد. این موجود به تدریج بزرگ شده و به انسان ها و سایر حیوانات حمله می کند. شارلوت با همراهی ناپدری اش به مبارزه با این چالش می پردازد. این اثر سینمایی مهیج فضا سازی بسیار خوبی دارد و بازیگران و تصویربرداری آن نیز مورد توجه قرار گرفته است. همچنین، حفظ خانواده و بهبود روابط میان اعضای آن از نکات مثبت محتوایی این فیلم محسوب می شود.

## قاب

### جشن «خونه مادری» در مسیر نسیم



ویژه برنامه تولیدی «خونه مادری» به مناسبت شب یلدا و روز بزرگداشت مادر به تهیه کنندگی سعید عباسی و کارگردانی مجید عباسی در هفت قسمت از روز پنجشنبه ۲۹ آذر ماه ساعت ۱۸ روی آنتن شبکه نسیم می رود. خونه مادری یک برنامه گفت و گو محور به میزبانی محمدرضا رهبری و ندا ملکی است که در یک خانه قدیمی در محله عودالاجان تهران با حضور مردمان همان محل روی آنتن شبکه نسیم خواهد رفت تا در شب های سرد زمستانی مهمان مخاطبان شبکه نسیم باشند.



ویدئو